

جرج سارتن می گوید : تمدن اسلامی نتیجه پیوند جوانه نیرومند عرب بر روی درخت تناور تمدن ایرانی بود و راز نیرومندی عجیب و تحول ملکات و فضایل آن در همین مطلب نهفته است .

بی شک ابوعلی سینا ثمره ای ارزنده از این درخت تناور و جلوه ای بارز از نقش ایرانیان در اعتلای تمدن اسلامی است . وی نه تنها اعتباری برای تمدن ایرانی و اسلامی ، بلکه چهره ای تابناک در تاریخ تمدن جهان به شمار می رود . به دلیل احاطه ابن سینا بر دانشهای مختلف و تاثیر وی در متفکران و دانشمندان پس از خود - که حیطه آن به جز قلمرو اسلام ، اروپا را نیز در بر گرفته بود - از او در غرب به عنوان نامدارترین دانشمند اسلامی یاد می شود .

اینک در میان دانشمندان اسلامی ، کسانی که ممکن است در اروپا با ابن سینا رقابت کنند ، می توان از الکندی و محمدبن زکریای رازی نام برد . اما الکندی تنها حکیم و زکریای رازی پزشک بوده است و هیچ یک مانند ابن سینا در زمینه های مختلف صاحب نام نبوده اند .

شیخ الرئیس ، ابوعلی سینا ، حسین بن عبدالله حسن بن علی بن سینا ، معروف به ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری قمری در دهی به نام خورمیشن در نزدیکی بخارا چشم به جهان گشود . شرکت در جلسات بحث اسماعیلیان از دوران کودکی ، به واسطه پدر - که از پیروان آنها بود - بوعلی را خیلی زود با مباحث و دانش های مختلف زمان خود آشنا ساخت . استعداد وی در فراگیری علوم ، پدر را بر آن داشت تا به توصیه یکی از استادان وی ، بوعلی را به جز تعلیم و دانش اندوزی به کار دیگری مشغول نکند . و چنین شد که وی به دلیل نبوغ خود در ابتدای جوانی در علوم مختلف زمان خود از جمله طب مهارت یافت . تا آنجا که پادشاه بخارا ، نوح بن منصور (حکومت از ۳۶۶ تا ۳۸۷ هجری قمری) به علت بیماری ، وی را به نزد خود خواند و ابن سینا از این راه به کتابخانه عظیم دربار سامانی دست یافت . وی در شرح حالی که خود نگاشته است درباره منابع آن کتابخانه خود می گوید :

هر چه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتاب هایی یافتم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود و من هم پیش از آن ندیده بودم و پس از آن هم ندیدم . پس این کتاب ها را خواندم و از آنها سود برداشتم و اندازه هر مردی را در دانش دریافتم و چون به سن هجده سالگی رسیدم ، از همه این دانش ها فارغ آمدم .

به این ترتیب وی در علوم مختلف از جمله حکمت ، منطق و ریاضیات - که خود شامل عدد ، هندسه ، نجوم و موسیقی است - تسلط یافت .

وی با وجود پرداختن به کار سیاست در دربار منصور ، پادشاه سامانی و دستیابی مقام وزارت ابوطاهر شمس الدوله دیلمی و نیز درگیر شدن با مشکلات ناشی از کشمکش امرا – که سفرهای متعدد و حبس چند ماهه وی توسط تاج الملک ، حاکم همدان ، را به دنبال داشت – بیش از صدها جلد کتاب و تعداد بسیاری رساله نگاشته که هر یک با توجه به زمان و احوال او به رشته تحریر در آمده است . وقتی در دربار امیر بود و آسایش کافی داشت و دسترسی اش به کتب میسر بود ، به نوشتن کتاب قانون در پزشکی ، یا دائره المعارف بزرگ فلسفی خود کتاب شفا مشغول می شد . اما در هنگام سفر فقط یادداشت ها و رساله های کوچک می نگاشت . در زندان به نظم اشعار می پرداخت و یا تاملات دینی را با اسلوبی که خالی از جمال نباشد مقید می نمود . از میان تالیفات ابن سینا ، شفا در فلسفه و قانون در پزشکی شهرتی جهانی یافته است . کتاب شفا در هجده جلد در بخش های علوم و فلسفه ، یعنی منطق ، ریاضی ، طبیعیات و الاهیات نوشته شده است . منطق شفا امروز نیز همچنان به عنوان یکی از معتبرترین کتب منطق اسلامی مطرح است و طبیعیات و الاهیات آن هنوز مورد توجه علاقمندان است . کتاب قانون نیز – که تا قرن ها از مهمترین کتب پزشکی به شمار می رفت – شامل مطالبی درباره قوانین کلی طب ، داروهای ترکیبی و غیر ترکیبی و امراض مختلف می باشد . این کتاب در قرن دوازدهم میلادی همراه با آغاز نهضت ترجمه به زبانهای لاتین ترجمه شد و تا امروز به زبان های انگلیسی ، فرانسو و آلمانی نیز برگردانده شده است . قانون – که مجموعه مدونی از کل دانش طبی باستانی و اسلامی است – به عنوان متن درسی پزشکی در دانشگاه های اروپایی مورد استفاده قرار می گرفت و تا سال ۱۶۵۰ میلادی در کنار آثار جالینوس و موندینو در دانشگاه های لوون و مون پلیه تدریس می شد .

ابن سینا در زمینه های مختلف علمی نیز اقداماتی ارزنده به عمل آورده است . او اقلیدس را ترجمه کرد . رصدهای نجومی را به عمل درآورد و اسبابی نظیر ورنیه کنونی ابداع نمود . در زمینه حرکت ، نیرو ، فضای بی هوا (خلا) ، نور ، حرارت و چگالی تحقیقات ابتکاری داشت . رساله وی درباره کانی ها یا مواد معدنی تا قرن سیزدهم در اروپا مهمترین مرجع علم زمین شناسی بود .

درباره این رساله فیگینه در کتاب دانشمندان قرون وسطی چنین آورده است : ابن سینا رساله ای دارد که اسم لاتین آن چنین است : De Conglutinatione Lagibum . در این رساله فصلی است به نام اصل کوه ها که بسیار جالب توجه است . در آنجا ابن سینا می گوید : ممکن است کوه ها به دو علت به وجود آمده باشند . یکی برآمدن قشر زمین . چنان که در زمین لرزه های سخت واقع می شود و دیگر جریان آب که برای یافتن مجرا ، سبب حفر دره ها و در عین حال سبب برجستگی زمین

می شود . زیرا بعضی از زمین ها نرم هستند و بعضی سخت . آب و باد قسمتی را می برند و قسمتی را باقی می گذارند . این است علت برخی از برجستگی های زمین .

ابن سینا به واسطه عقل منطقی و نظام یافته اش – که حتی در طب نیز تلاش داشت مداوا را تا سرحد امکان تابع قواعد ریاضی سازد – تسلط بر فلسفه را کمال برای یک دانشمند می دانست . وی برای آگاهی از اندیشه های ارسطو و درک دقیق آن ، آن گونه که خود در شرح احوالش نوشته است ، ۴۰ بار کتاب مابعدالطبیعه را خواند و در نهایت با استفاده از شرحی که ابونصر فارابی درباره آن کتاب نوشته بود ، به معانی آن راه یافت . بوعلی در دوران عمر خود از لحاظ عقاید فلسفی دو دوره مهم را طی کرد . اول دوره ای که پیرو فلسفه مشاء و شارح عقاید و معارف ارسطو بود و دوم دوره ای که از آن عقاید عدول کرد و به قول خودش طرفدار حکمت مشرقین و پیرو مکتب اشراق شد .

وی به پشتوانه تلاش یک صد ساله ای که پیش از او از سوی کسانی همچون الکندی و فارابی برای شکل گیری فلسفه اسلامی صورت گرفته بود ، موفق شد نظام فلسفی منسجمی را ارائه دهد . با توجه به این که پیش از او مقدمات این کار فراهم شده بود ، کار و وظیفه ابن سینا این بود که مشکلات و پیچیدگی ها را کشف و حل کند و آنها را به نحوی مضبوط و موجز شرح نماید . فروع جزئی را به تصول شامل ارتباط دهد و اطراف آن را به هم بیاورد .

او با ارائه نظر خود در مورد نحوه ارتباط و نسبت بین مفاهیم کلی مثل انسان ، فضیلت و جزئیات حقیقی به یکی از پرسشهای علمای قرون وسطی – که مدت های طولانی ذهن آنها را به خود مشغول کرده بود – پاسخ داد . تاثیر آرای فلسفی ابن سینا ، همچون آموزه های طبی او ، به جز در قلمرو اسلامی ، در اروپا نیز امری قطعی است . آلبرتوس ماگنوس ، دانشمند آلمانی فرقه دومینیکی (۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ میلادی) نخستین کسی بود که در غرب تفسیر و شرح جامعی بر فلسفه ارسطو نوشت . به همین دلیل اغلب او را پایه گذار اصلی ارسطوگرایی مسیحی می دانند . وی که جهان مسیحیت را با سنت ارسطویی الفت داد ، در شناخت آثار ارسطو سخت به ابن سینا متکی بود .

همچنین فلسفه ما بعد الطبیعه ابن سینا ، خلاصه مطالبی است که متفکران لاتینی دو قرن بعد از او بدان رسیدند و توانستند مذاهب مختلف فلسفی را در فلسفه مدرسی هماهنگ کنند .

ابوعلی سینا در سال ۴۲۸ هجری قمری ، زمانی که تنها ۵۸ سال داشت ، در حالی رخت از جهان بریست که با ادای دین خود به دانش بشری ، نامی به صلابت تمدن ایرانی از خود به جای گذاشت .